

سه‌شنبه ۴ شهریور ۱۳۹۹ • ۵ محرم الحرام ۱۴۴۲ • ۲۵ آگوست ۲۰۲۰

اخبار

روز علی کردن فتوای قاضی شریح در ضرورت قتل حضرت اباعبدالله(ع)

به روایت جلد دوم کتاب «لوقایع والحوادث» علامه محمدابقر ملبویی و «تقیوم شیعمه» شیخ عبدالحسین نیشابوری، چهارم محرم روزی است که ابن زیاد فتوای شریح قاضی مبنی بر لزوم و ضرورت قتل حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را در مسجد کوفه علی کرد.

ابن زیاد طی خطبه‌ای با اشاره به این فتوا مردم را به شرکت در سپاه عمر سعد و کشتن حضرت سیدالشهدا (ع) تحریک کرد. به همین دلیل آن دسته از مردمی که به سپاه عمر نپیوسته بودند همراه با لشکر حصین بن نمیر که یک روز دیرتر از عمر وارد کربلا شد، به قتلگاہ پسر پیامبر امندند.فتوای شریح باعث شد تا حجم بسیاری از کم خردان کوفه بر علیه حضرت سیدالشهدا (ع) بسیج شوند.شیخ ابراهیم الموسوی الزنجانی در کتاب «وسپله الدارین فی انصار الحسین (ع) اشاره کرد که ابن نمیر روز پنجم محرم سال ۶۱ هجری با سباهیانی بالغ بر چهار هزار نفر به کربلا وارد شد تا به لشکر سه هزاره نفره عمر بپیوندند برای مقابله با سپاه ۷۴ نفره حضرت سیدالشهدا (ع). پس از آن نیز تا ششم محرم بازار آهنگران کوفه برای خرید و بی نیز کردن سفلیه‌ها داغ بود.شریح بن حرث حارث کندی، در زمان خلیفه اول ابوبکر از جمله تازه مسلمانان به شمار می‌رفت. در دوره عمر بن خطاب قاضی کوفه شد و عثمان بن عفان نیز در دوره خلافت خود، کرسی قضاوت او را تمدید کرد. به دلیل آنکه شریح با فرمان خود خلفا با منصب را دریافت، بنابراین از شهرت و نفوذ زیادی برخوردار شد و به عنوان یک شخصیت سیاسی و اجتماعی مورد احترام بسیاری از قبایل قرار گرفت.دلیل دیگر منصب قضا به او توسط خلیفه دوم را در این ذکر کرده‌اند که عمر صحابه پیامبر را نزد خود در مدینه

به عنوان رایزن و مشاور نگه می‌داشت و به همین دلیل در مناطق مختلف جامعه اسلامی که به دلیل فتوحات بسیار گسترده‌تر از قبل شده بود، بسیاری از تازه مسلمانان که دانش چندانی هم نسبت به شریعات ناشدنی، مناصب مختلف از جمله منصب قضاوت را بر عهده گرفتند.در دوره زمامداری حضرت امیرالمؤمنین (ع) به دلیل آنکه شریح مورد اتهام قرار نگرفته بود، دوره قضاوتش تمدید شد، اما حضرت بافلاصله پس از اینکه راه حطای شریح بر مهاگان مشخص شد، او را عزل و تبعید کرد. دوره قضاوت شریح بسیار طول کشید. او پس از شهادت حضرت امیر (ع) نیز بدون آنکه حکمی از جانب امام مجتبی (ع) داشته باشد، شغل خود را ادامه داد و با دوران روی کار امام معلی آغاز سلسله پادشاهی بنی امیه، این شغل او دیواره رسمی شد. درباره شریح قاضی، زندگی و عملکردش منابع تخصصی و پژوهش‌های تخصصی اندکی وجود دارد و ضرورت دارد که محققان تاریخ اسلام با بازخوانی دیواره آن دوران تاریخ و تحلیل دقیقی از او را به مخاطبان آرزوی ارائه دهند. یکی از معهود منابع در این موضوع «شریح قاضی» نوشته علی اکبر خدایی است که برای نخستین بار سال ۱۳۸۲ توسط انتشارات اطلاعات منتشر شد و به سال ۸۹ امکان تکمیل چاپ پیدا کرد.
بجز این مخاطب برای آگاهی درباره این شخصیت باید به منابع تاریخ اسلام بویژه منابع مربوط به تاریخ کوفه رجوع کند.

مالک عمارت ابراهیم خان ملاده برای پذیرش غیرقانونی مسافر تذکر گرفت

چند روز پیش گزارشی درباره عمارت ابراهیم خان روستای ملاده در استان سمنان منتشر شد که در آن اعلام شد مالک بخشی از این بنا اقدام به پذیرش مسافر و اخذ ورودیه بدون مجوز اداره کل میراث فرهنگی استان در این تعطیل می‌کند. این در حالی است که نه شان مسافران حفظ می‌شده و نه شان این بنای تاریخی.

در این باره رحمان فرمائی مدیر میراث فرهنگی شهرستان مهدیشهر در استان سمنان به خبرنگار مهر توضیح داد: مالکیت مجموعه ابراهیم خان به صورت مشارکتی و متاع است. یک سوم این عمارت متعلق به اداره میراث فرهنگی سمنان و باقیی در اختیار بخش خصوصی قرار دارد، بنابراین کلید عمارت هم در اختیار بخش خصوصی است و آنها متعهد شده‌اند حفاظت از بنا را به عهده بگیرند و ما هم بخشی از هزینه مرمت را باید بدهیم. اگرچه این بنا مالکیت مشترک دارد اما حتی اگر کل این بنا هم برای ما بود و آن را به فردی دیگر واگذار می‌کردیم، یا تمام آن عمارت متعلق به بخش خصوصی بود، باز هم هر فعالیت گردشگری و اقامتی در این بنا به مجوز میراث فرهنگی نیاز داشت.

فرمائی گفت: در زمان انتشار این گزارش با وجود آنکه یگان حفاظت میراث فرهنگی به بنایها سرکنشی می‌کند، مالک را برای ارائه توضیح به اداره کل میراث فرهنگی احضار کردیم و ضمن گرفتن تعهد، به او تذکر دادیم که نباید در قالب پذیرایی یا اقامتی آن هم بدون مجوز فعالیت کند، چون آن مجموعه شامخه‌های پذیرایی از گردشگر و نادر و تاکنون نیز مجوزی برای این کار به او داده نشده است. در آن مکان ارائه خدمات متناسب با شأن افراد و بنا نیست، اگر تائکون فعالیت اقامتی یا پذیرایی به انجام شده، غیرقانونی بوده است و از این به بعد نیز چنین امکانی وجود نخواهد داشت. وی درباره اخذ ورودیه از بازدیدکنندگان بنا هم توضیح داد: اگر قرار است ورودیه‌ای از بازدیدکنندگان دریافت شود، باید مجوز اداره میراث فرهنگی را بگیرند و روند آن طی شود، منتهی ممکن است زمانی مالک به اختیار صندوقی یا گذاشته و اعلام کند که بازدیدکننده می‌تواند برای کمک به مرمت یا نظافت مجموعه هزینه‌ای را به دلخواه بپردازد و علاقه مندان هم حاضر به پرداخت آن باشند، ولی نباید این اقدام اجباری باشد، چون اخذ ورودیه بدون مجوز غیرقانونی است.
بابت اینکه به اجبار از مسافر ورودیه گرفته شود هم به مالک تذکر داده ایم. ما منکر مالکیت بخش خصوصی نمی‌شویم، منتهی این ملک متاع است و نمی‌تواند بگوید چون مالک هستیم حق گرفتن ورودی را دارم. حتی اگر ملک کاملاً در اختیار بخش خصوصی هم باشد، مانند بحث اقامت باید مجوز از میراث فرهنگی گرفته شود.

رضا اسماعیلی چند سال پیش با انتشار مطالب و اشعاری اعتراض خود را به آنچه که از سوی بزرگان «هیئت سکولار» خوانده شده اعلام کرد. او از شاعران آئینی است که مداوما از اشعار حق‌طلبانه عاشوراییی در برابر اشعاری که به شکل اغراق‌گونه‌ای صرفاً عاطفی و احساسی هستند و در مواردی می‌توانند صوفیانه تلقی شوند، دفاع کرده است. با او درباره اقتضائات شعر اجتماعی سیاسی و حق‌طلبانه‌ای که مد نظر دارد گفت‌وگو کردیم.

شما از معدود شاعرانی بودید که نسبت به اشعاری که در هیئات مذهبی خوانده می‌شود که به نوعی منقطف از مسائل اجتماعی و سیاسی (حق‌طلبی دینی)، یا به طور کلی رویکرد معرفتی – اعتراضی هستند، واکنش نشان دادید. این واکنش خیلی هم خوب بود، اما سوالی که پیش می‌آید این است که اگر چیزی که شما از آن دفاع کرده و شاعران را به آن دعوت کرده‌اید، به یک شاعرزدگی سیاسی، سیاست‌زدگی و حتی جناح بازی‌های متعارف دچار شود، چه؟ بویژه که در وضعیت سیاست‌زده جامعه ایرانی، دیده شده افرادی از شاعران و مداحان برای بیان مواضع انتقادی و اجتماعی و اعتراضی‌شان، اشعاری را ارائه داده‌اند که عمدتاً واجد نوعی رویکرد جناحی و سیاست‌زده بوده و مصادیقی از دوران کنونی را با مصادیقی از سال ۶۱ هجری قیاس کرده‌اند که چندان وجهی نداشته است! در این وضعیت، شاعران با چه راهکاری می‌توانند یک موقعیت میانه را اتخاذ کنند که نه به دام سیاست‌زدایی و سکولاریسم بیفتند، و نه دچار سیاست‌زدگی و جناح‌بازی‌های مبتذل شوند؟

من علی رغم نظر بسیاری از دوستان شاعر که صرفاً به وجوه هنری و ادبی شعر توجه می‌کنند و می‌گویند که هدف اصلی شعر ایجاد «التذاد هنری» است، همچون طاهره صفرازاده معتقدم رسالت اصلی شعر «بیداری و روشنگری» با لحاظ موفقه‌های زیباییشناختی است. ولی دایره این روشنگری را نباید محدود به طیف یا جناح خاصی کرد. روشنگری یک رسالت انسانی است و محدودیت‌پذیر نیست. روشنگری یعنی خط کشیدن بر تاریکی و حرکت به سوی نور و روشنائی. بدیهی است برای موفقیت در ایفای چنین رسالت بزرگی، شاعر ابتدا باید از خودش شروع کند و قدم اول خودش را بسازد. بدون تهذیب و تزکیه و خودسازی، ادعای اصلاح و روشنگری، دروغی بیش نیست.

آزادگی و حق‌طلبی از الزامات روشنگری است. شاعری که بر مدار آزادگی و حق‌طلبی حرکت نکند، نمی‌تواند چراغ راه دیگران باشد. این حرف، حرف درستی است که گفته‌اند: «به جای لعنت بر تاریکی، بهتر است شععی روشن کنیم» ولی من – به هزار و یک علت – یاد گرفته‌ام که در تنگناها و طوفان مشکلات، به جای روشن کردن شمع، تاریکی را با لغت کنم. در حالی که بزرگ‌ترین لعنت به تاریکی، برافروختن شوم‌چراغی است که دیگران را روشن کند.

بله، حرف شما، حرف درستی است. متأسفانه امروز وقتی می‌گویم شعر دینی و آئینی فقط منحصر به مدح و منقبت و سوگ و مرثیه نمی‌شود و باید در شعر به ابعاد دیگری از جمله پیام و حساسه هم پرداخت، دیگران انگ سیاست‌زدگی به شاعر می‌زنند. چرا؟ چون جامعه ما چنان در باثاق سیاست‌زدگی دست و پا می‌زند، که حتی آب خوردن شما هم معنای سیاسی پیدا می‌کند!



بدیهی است در جامعه‌ای که اعتراض به گرانی سیب‌زمینی هم بار سیاسی دارد، حق طلبی کار سختی است.

با این همه اگر شاعر در گفتن «حق» با خودش و وجدانش روراست باشد، بالاخره حُرش در دل‌ها اثر می‌کند و آتشی را که روشن کرده، به جامعه گرمی می‌دهد. بهترین مصداق برای دسترسی این گفته حضرت امام (ره) است. طلبه‌ای که با توکل بر خدا، استوار و ثابت‌قدم در جهه حق ایستاد. امام به جای بد و بیراه گفتن به بی‌معناحط پهلوی، در مسیر روشنگری گام برداشت و چون با خودش و وجدانش روراست بود، به نتیجه رسید. البته در این راه سختی‌های زیادی را متحمل شد، ولی سرانجام این قافله را به سرزمزل مقصود رساند. در شعر آئینی نیز اگر ما بدون انحراف با چه راست حرکت کنیم و خداوکیلی به دنبال حق باشیم، من مطمئنم که به نتیجه می‌رسیم. البته می‌دانم که در این هیاهوی بازار سیاست‌زدگی، ایستادگی در جبهه حق و تلاش برای روشنگری کار بسیار سختی است. به هر حال حق‌طلبی هزینه دارد. کسی که در این وادی گام بر می‌دارد، باید خویشتن‌دار و صبور باشد – به تعبیر ساده‌تر پوست‌کلفت باشد – تا راه به سرمنزل مقصود ببرد.

تاریخ آئینه عبرت است و صد البته باید از تاریخ عبرت گرفت. بعضی از این نمونه‌سازی‌ها شاید درست‌باشد، چنان که استاد شهید مرتضی مطهری درباره عزاداری حسینی (ع) می‌گوید: «اگر حسین بن علی (ع) بود، می‌گفت اگر می‌خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و نتحیر بزنی، شعر امروز تو باید فلسطین باشد. شمر ۱۳۰۰ سال پیش مرد، شمر امروز را بنشاس. اگر پیغمبر اسلام (ص) زنده می‌بود، امروز چه می‌کرد؟ درباره چه مسئله‌ای می‌اندیشیدی، والله و بالله قوی می‌خورم که پیغمبر اکرم (ص) در قبر مقدسش امروز از یهود می‌لرزد. این یک مسئله دو دو تا چهار تاست. اگر کسی نگوید، گناه کرده است، من اگر نگویم والله مرتکب گناه شده‌ام، هر خطیب و واعظی که نگوید، مرتکب گناه شده است.»

ولی با شما هم‌عقیده‌ام که بسیاری از نمونه‌سازی‌ها، ریشه در منافع و اغراض سیاسی دارد. یعنی من بر اساس فتوای سیاسی، بلکه برای اینکه جناح سیاسی خودم را بالا بکشم، دیگران را به شمر و معاویه تشبیه می‌کنم. این کار همان سیاست‌زدگی است. مومن واقعی کسی است که رفتار سیاسی‌اش مطابق با سیره سیاسی بزرگان دین باشد. بد نیست تاریخ صدر

عبور از هیئت سکولار و هیئت سیاست‌زده با ۵ اصل شعر آئینی

شاعر آئینی باید دانشش از سیاست‌زدگی پاک باشد. بهترین راهکار برای تحقق این مهم، پیروی دقیق و هوشمندانه شاعران و ذاکران آئینی از سیره سیاسی بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است. رهبر انقلاب در مورد جزئی‌ترین و ریزترین مسائلی که مربوط به شعر آئینی است نظرات راهگشایی داده‌اند که اگر این نظرات را بخوانیم، درست بفهمیم و به آنها عمل کنیم، خیلی از مشکلات ما حل می‌شود. ولی متأسفانه گاهی ما کاسه داغ‌تر از حل می‌شویم و به آنچه که خودمان دوست داریم عمل می‌کنیم.

اولین و مهم‌ترین اصل در شعر آئینی داشتن جهان‌بینی توحیدی است. شاعر اصیل آئینی باید پیش و بیش از هر چیز دیگر مبلغ توحید و یکتاپرستی باشد و از خدایان زور و زر و تزویر اعلام برات کند. ما باید سیمای انسان کامل را در آئینه شعر آئینی به تماشا بگذاریم.

دوم اینکه شاعر آئینی باید «درد مسلمانی» را با «دُرک مسلمانی» بیامیزد تا به بیراهه نرود. برای گفتن شعر آئینی داشتن «درد مسلمانی» کافی نیست. برای اینکه شعر آئینی، آئینه معارف و فضایل زلال اهل بیت (ع) باشد و از هر گونه خرافه و حیرت و گمراهی کشیده نشود و بر موضع حق پای بشارد. متأسفانه من به عنوان شاعر آئینی نمی‌کنم که خواندن مقتل برایم کافی است.

شاعر شعر آئینی را در روضه‌های منظوم خلاصه می‌کنم. شاعر آئینی علاوه بر خواندن مقاتل، باید مردم‌شناس، جامعه‌شناس، اسخ و اسلام‌شناس عاشق کسی شد، بعد او را شناخت. طبق آیات قرآنی، «محبت حسینی (ع)» فرزند «معرفت حسینی (ع)» است. از این منظر، اگر ما خود را محب واقعی امام حسین (ع) می‌دانیم، باید آثار این محبت را در سلوک انسانی و اسلامی خود رصد کنیم و ببینیم. آثار محبت واقعی به اباعبدالله (ع)، بندگی، یکتاپرستی، بیداری، حق‌طلبی، آزادگی، ظلم‌ستیزی و در نهایت پیروی و تبعیت از آن امام همام است، نه معصیت و گناه. ولی وقتی می‌گویم یا حسین (ع) ولی ادب و آداب عزاداری را زیر پا می‌گذاریم، وقتی می‌گویم یا حسین (ع) و با خواندن نوحه «لا اله الا زینب» از آستان بندگی حضرت حق روی برمی‌تابیم، وقتی می‌گویم یا حسین (ع) و فمه می‌زیزم، وقتی می‌گویم یا حسین (ع) و نوحه‌های لس آنجلسی می‌خوانیم، وقتی می‌گویم یا حسین (ع) و در هیئت‌ها لخت می‌شویم، وقتی می‌گویم یا حسین (ع) و مردم‌آزاری می‌کنیم، وقتی می‌گویم یا حسین (ع) و دروغ می‌گویم، وقتی می‌گویم یا حسین (ع) و با آبروی اسلام بازی می‌کنیم و … همه این نشانها‌ها به ما می‌گوید که محبت ما، محبت آمیخته با معرفت نیست.

چهارم اینکه شعر آئینی باید حلقه وصل بین مذاهب و ادیان باشد و از دامن زدن به تعصبات دینی و توهین به مقدسات سایر ادیان پرهیز کند. یعنی به «وصل» بیاندهید، نه به «فصل». پنجمین اصل این است که شعر آئینی باید از هر نوع کژتابی اعتقادی به دور باشد. از غالی‌گری، اسطوره‌سازی، زبان‌حال‌گویی‌های غیرمستند، تحریف واقعیت تاریخی و تعریف غلط از شفاعت و توسل و … به این معنا که خیالی آئینی نباید خواننده و خواننده خود را دعوت به گناه کند. از نظر من این اصول، از مهم‌ترین اصولی است که یک شاعر اصیل آئینی باید به آنها پایبند باشد.

روزنامه ایران

امتیاز

مجله شعر آئینی شماره ۱۱۲

مجله شعر آئینی شماره ۱۱۱

مجله شعر آئینی شماره ۱۱۰

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۹

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۸

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۷

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۶

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۵

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۴

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۳

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۲

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۱

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۰

مجله شعر آئینی شماره ۹۹

مجله شعر آئینی شماره ۹۸

مجله شعر آئینی شماره ۹۷

مجله شعر آئینی شماره ۹۶

مجله شعر آئینی شماره ۹۵

مجله شعر آئینی شماره ۹۴

مجله شعر آئینی شماره ۹۳

مجله شعر آئینی شماره ۹۲

مجله شعر آئینی شماره ۹۱

مجله شعر آئینی شماره ۹۰

مجله شعر آئینی شماره ۸۹

مجله شعر آئینی شماره ۸۸

مجله شعر آئینی شماره ۸۷

مجله شعر آئینی شماره ۸۶

مجله شعر آئینی شماره ۸۵

مجله شعر آئینی شماره ۸۴

مجله شعر آئینی شماره ۸۳

مجله شعر آئینی شماره ۸۲

مجله شعر آئینی شماره ۸۱

مجله شعر آئینی شماره ۸۰

مجله شعر آئینی شماره ۷۹

مجله شعر آئینی شماره ۷۸

مجله شعر آئینی شماره ۷۷

مجله شعر آئینی شماره ۷۶

مجله شعر آئینی شماره ۷۵

مجله شعر آئینی شماره ۷۴

مجله شعر آئینی شماره ۷۳

مجله شعر آئینی شماره ۷۲

مجله شعر آئینی شماره ۷۱

مجله شعر آئینی شماره ۷۰

مجله شعر آئینی شماره ۶۹

مجله شعر آئینی شماره ۶۸

مجله شعر آئینی شماره ۶۷

مجله شعر آئینی شماره ۶۶

مجله شعر آئینی شماره ۶۵

مجله شعر آئینی شماره ۶۴

مجله شعر آئینی شماره ۶۳

مجله شعر آئینی شماره ۶۲

مجله شعر آئینی شماره ۶۱

مجله شعر آئینی شماره ۶۰

مجله شعر آئینی شماره ۵۹

مجله شعر آئینی شماره ۵۸

مجله شعر آئینی شماره ۵۷

مجله شعر آئینی شماره ۵۶

مجله شعر آئینی شماره ۵۵

مجله شعر آئینی شماره ۵۴

مجله شعر آئینی شماره ۵۳

مجله شعر آئینی شماره ۵۲

مجله شعر آئینی شماره ۵۱

مجله شعر آئینی شماره ۵۰

مجله شعر آئینی شماره ۴۹

مجله شعر آئینی شماره ۴۸

مجله شعر آئینی شماره ۴۷

مجله شعر آئینی شماره ۴۶

مجله شعر آئینی شماره ۴۵

مجله شعر آئینی شماره ۴۴

مجله شعر آئینی شماره ۴۳

مجله شعر آئینی شماره ۴۲

مجله شعر آئینی شماره ۴۱

مجله شعر آئینی شماره ۴۰

مجله شعر آئینی شماره ۳۹

مجله شعر آئینی شماره ۳۸

مجله شعر آئینی شماره ۳۷

مجله شعر آئینی شماره ۳۶

مجله شعر آئینی شماره ۳۵

مجله شعر آئینی شماره ۳۴

مجله شعر آئینی شماره ۳۳

مجله شعر آئینی شماره ۳۲

مجله شعر آئینی شماره ۳۱

مجله شعر آئینی شماره ۳۰

مجله شعر آئینی شماره ۲۹

مجله شعر آئینی شماره ۲۸

مجله شعر آئینی شماره ۲۷

مجله شعر آئینی شماره ۲۶

مجله شعر آئینی شماره ۲۵

مجله شعر آئینی شماره ۲۴

مجله شعر آئینی شماره ۲۳

مجله شعر آئینی شماره ۲۲

مجله شعر آئینی شماره ۲۱

مجله شعر آئینی شماره ۲۰

مجله شعر آئینی شماره ۱۹

مجله شعر آئینی شماره ۱۸

مجله شعر آئینی شماره ۱۷

مجله شعر آئینی شماره ۱۶

مجله شعر آئینی شماره ۱۵

مجله شعر آئینی شماره ۱۴

مجله شعر آئینی شماره ۱۳

مجله شعر آئینی شماره ۱۲

مجله شعر آئینی شماره ۱۱

مجله شعر آئینی شماره ۱۰

مجله شعر آئینی شماره ۹

مجله شعر آئینی شماره ۸

مجله شعر آئینی شماره ۷

مجله شعر آئینی شماره ۶

مجله شعر آئینی شماره ۵

مجله شعر آئینی شماره ۴

مجله شعر آئینی شماره ۳

مجله شعر آئینی شماره ۲

مجله شعر آئینی شماره ۱

مجله شعر آئینی شماره ۰

مجله شعر آئینی شماره ۱۱۲

مجله شعر آئینی شماره ۱۱۱

مجله شعر آئینی شماره ۱۱۰

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۹

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۸

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۷

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۶

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۵

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۴

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۳

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۲

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۱

مجله شعر آئینی شماره ۱۰۰

مجله شعر آئینی شماره ۹۹

مجله شعر آئینی شماره ۹۸

مجله شعر آئینی شماره ۹۷

مجله شعر آئینی شماره ۹۶

مجله شعر آئینی شماره ۹۵

مجله شعر آئینی شماره ۹۴

مجله شعر آئینی شماره ۹۳

مجله شعر آئینی شماره ۹۲

مجله شعر آئینی شماره ۹۱

مجله شعر آئینی شماره ۹۰

مجله شعر آئینی شماره ۸۹

مجله شعر آئینی شماره ۸۸

مجله شعر آئینی شماره ۸۷

مجله شعر آئینی شماره ۸۶

مجله شعر آئینی شماره ۸۵

مجله شعر آئینی شماره ۸۴

مجله شعر آئینی شماره ۸۳

مجله شعر آئینی شماره ۸۲

مجله شعر آئینی شماره ۸۱

مجله شعر آئینی شماره ۸۰

مجله شعر آئینی شماره ۷۹

مجله شعر آئینی شماره ۷۸

مجله شعر آئینی شماره ۷۷

مجله شعر آئینی شماره ۷۶

مجله شعر آئینی شماره ۷۵

مجله شعر آئینی شماره ۷۴

مجله شعر آئینی شماره ۷۳

مجله شعر آئینی شماره ۷۲

مجله شعر آئینی شماره ۷۱

مجله شعر آئینی شماره ۷۰

مجله شعر آئینی شماره ۶۹

مجله شعر آئینی شماره ۶۸

مجله شعر آئینی شماره ۱۱۲

مجله شعر آئینی شماره ۱۱۱